irannewspaper.ir

• شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۷۵
• اذان ظهر ۱۲/۰۲ • اذان مغرب ۱۸/۳۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۴/۱۷ • طلوع آفتاب فردا ۵/۴۳

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

• زرین رستمی وند(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری)
• ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

طبیعت، یک عاشق کامل واقعی است چرا که هرگز خود را تکرار نمی‌کند. دو پاییز همرنگ، دو بهار همسان، دو تابستان همگون، دو زمستان مثل هم، هرگز، در تمام طول حیات انسان پیش نیامده است.

یک عاشقانه آرام
نادرابراهیمی

سخن روز

امام حسن(ع):
هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل دوست و برادرم، از یک ماه اعتکاف، در مسجد، بهتر و محبوب‌تر است.

کلمة الإمام‌الحسن(ع)، ص ۱۳۹

نگاره

غریق نجات‌های مجازی

مرضیه خانی‌زاده ابیانه / طراح و کارتونیست

فضای مجازی

کار تازه محسن چاووشی در زخم‌کاری

محسن چاووشی، خواننده موسیقی پاپ مطلبی را درباره کار تازه‌اش با عنوان زخم‌کاری ۲ منتشر کرده؛ در بخشی از این خبر آمده: «تک‌آهنگ جدید محسن چاووشی با عنوان زخم‌کاری ۲ در دسترس مخاطبان قرار گرفت.» ترانه اثر جدید محسن چاووشی با آهنگسازی خودش را علی‌اکبر یاغی‌تبار سروده و رضا فؤادیان تنظیم‌کننده آن است. از عوامل این اثر می‌توان به عادل روح‌نواز (نوازنده گیتار الکتریک)، بهروز میرزایی (نوازنده گیتار آکوستیک) و عابد بسطامی (میکس و مستر) اشاره کرد. فصل جدید سریال زخم‌کاری مانند فصل اول ساخته محمدحسین مهدویان است. در بخشی از متن این ترانه آمده: «اومدم مثل یه ببر کینه‌توز، حقمو بگیرم و شبانه‌روز؛ عقب شغال قاتل بودم/ بی‌خبر از اینکه با دیدن تو، دیدن حالت خندیدن تو؛ خودمم قاتل این دل بودم.»

اشاره خواندنی پیروز ارجمند به چوگان

پیروز ارجمند آهنگساز در تازه‌ترین نوشته‌اش مطلبی درباره چوگان را بازنشر کرده؛ در این نوشته آمده: «ورزش چوگان یک سنت فرهنگی ملی و بخشی از میراث، فرهنگ و هنر سرزمین ایران است که قدمت آن نزدیک به سه‌هزار قبل می‌رسد. چوگان زمانی بهترین وسیله برای پرورش توان رزم‌آوری شاهزادگان و بزرگ‌زادگان بوده و با توجه به اینکه آغاز و سرمنشأ پیدایش این ورزش متعلق به عهد باستان است، نام چوگان نیز از آن زمان به یادگار مانده است. میدان گنجعلی‌خان نه‌تنها میدان عرصه چوگان بود بلکه پایگاه اقتصاد، داد و ستد و جلوه‌گاه هنر و اندیشه کسانی به شمار می‌رود که هویت و تاریخ و سلامت خویش را نیز ارج می‌نهادند.

البرز با صدای حامد همایون

حامد همایون، خواننده هم نوشته: «سلام عزیزان جانم. قطعه البرز با جان و دل تقدیم به شما. امیدوارم که به دلتون بشینه. این آهنگ رو به هر کسی که دوسش دارید، تقدیم کنید. امیدوارم بزودی با هم، هم‌صدا بخونیمش.» او در ادامه از دنبال‌کنندگان صفحه‌اش خواسته که نظرات خود را با او درمیان بگذارند.

درباره هوشنگ مرادی‌کرمانی

عبدالحکیم بهار، مروج کتابخوانی اهل روستای رمین استان سیستان و بلوچستان فیلم کوتاهی از دختر نوجوانی را که برای علاقه‌مندان ادبیات داخلی معرفی کوتاهی از هوشنگ مرادی‌کرمانی و آثارش دارد، منتشر کرده؛ در متن ضمیمه این کلیپ هم آمده: «نخل، شما که غریبه نیستید، قصه‌های مجید، مربای شیرین، بچه‌های قالیباف‌خانه، میهمان مامان و... بخشی از کتاب‌های منتشرشده هوشنگ مرادی‌کرمانی است. پیشنهاد می‌کنم خواندن آثار ارزشمند این نویسنده خوب سرزمین‌مان را از دست ندهیم.» این فیلم به بهانه زادروز مرادی‌کرمانی که چند روز قبل بوده، منتشر شده است.

مهدوی‌دامغانی، استادی کم‌نظیر

اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب مطلبی به مناسبت زادروز زنده‌یاد دکتر احمد مهدوی‌دامغانی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دانشگاه مادرید، دانشگاه هاروارد و... منتشر کرده که در بخشی از آن می‌خوانید: «خدا می‌داند علقه و علاقه استاد مهدوی، رضوان‌الله علیه به بنده و مهر و محبت بنده به ایشان چقدر بود! همیشه مرا فرزند خود خطاب می‌کرد. اسراری به بنده می‌گفت که هرگز فاش نخواهد شد. داوری‌هایش نسبت به افراد و مصائبی که بر او گذشته بود و... به لطف این ارادت قلبی، متقابل با دستخط‌های زیبای خط نستعلیقش مدام بنده‌نوازی می‌فرمود گاه با مقاله و زمانی با نوشتن مقدمه بر متون کهن عربی و بدین‌سان اعتبار میراث مکتوب به یمن حضورش دو چندان گردید. پس از او دیگر کسی را سراغ نداریم که چنین تبحری در متون ادب عربی داشته باشد و به قول سعدی بعید است دگر، مادر گیتی چو تو فرزند بزاید.»

تأمل هوشنگ گلمکانی بر نمایشی در تالار مولوی

هوشنگ گلمکانی، نویسنده و منتقد سینما نکاتی خواندنی درباره نمایش «انسان/اسب:پنجاه/پنجاه» نوشته هاله مشتاقی‌نیا و مرتضی اسماعیل کاشی را که چندی است در تالار مولوی به کارگردانی مرتضی کاشی اجرا می‌شود، پیش روی علاقه‌مندان گذاشته است؛ در بخشی از آن آمده: «کارگردان گرچه از قراردادهای تئاتر حماسی برشت استفاده می‌کند اما این قراردادها را به‌روز می‌کند. اینجا گروه هم‌سرایان برشتی از حالت جمعیت بیرون می‌آیند و هویتی انسانی و فعالتر در نمایش پیدا می‌کنند. از سوی دیگر با اینکه نمایشنامه برشت روایت کابوس‌های دو بازمانده اردوگاه‌های مرگ یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم است.» این نمایش تلویحاً به دوران ما تعمیم می‌یابد و با وجود فضای تلخ و تیره‌اش، با بارقه‌هایی از امید پایان می‌یابد.

نقل قول

محمدامین همدانی
انیمیشن‌ساز

اهالی انیمیشن نگاه‌شان به جشنواره های خارجی است

جشنواره فیلم‌کوتاه تهران بیشتر میان فعالان سینمای داستانی و مستندسازان محبوبیت دارد. اهالی انیمیشن بیشتر نگاه‌شان به سمت جشنواره‌های خارجی است اما از آنجایی که جشنواره فیلم کوتاه تهران هم در دسته‌بندی جشنواره‌های مورد تأیید اسکار قرار گرفته است، این رویداد به یک هدف جدی برای انیمیشن‌سازان ایرانی تبدیل شده است. می‌توان با معرفی بهترین ظرفیت‌های این رویداد به جامعه انیمیشن‌سازان، حضور در این جشنواره را هم به یک هدف برای فعالان این حوزه تبدیل کرد. البته تولید انیمیشن از آنجایی که روندی طولانی و گران دارد، خیلی قابل تنظیم با تقویم برگزاری یک جشنواره خاص نیست. جشنواره فیلم کوتاه تهران می‌تواند شرایطی را ایجاد کند تا تولیدکنندگان این عرصه هم تصور واقعی‌تری نسبت به اعتبار این رویداد داخلی پیدا کنند و بدانند چیزی از جشنواره‌های خارجی کم ندارد.

| از صحبت‌های این هنرمند با مهر

یادداشت

ماجراهای خانم‌آقای او

قرتی غربیلک بازی کافی‌شاپ

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

آمیز مراد معمار، پیرمرد صبیح المنظر و خوش‌خلقی است که هر نوبه سایه‌اش افتاد سرگذر، اهل گذر به ذوق و اشتیاق دوره‌اش کردند که از خاطراتش گفته یاد تهران قدیم زنده کند. مراد معمار هم که هیچ نوبه چین به ناصیه‌اش نیفتاده خنده کنج لبش چسبیده به حسن خلق و طمأنینه می‌نشیند صدر سنگ نشیمن دکانی و عصا ستون کرده تکیه می‌زند. دستی به محاسن کشیده می‌افتد روی دور حرف. در حسن معاشرت هیچ احدی به گرد پایش نمی‌رسد.

این نوبه تعریف می‌کرد خیابان چراغ برق نرسیده به پامنار یک قهوه‌خانه‌ای بود بالاخانه، به نام عرش. می‌گفتند عرش به سبب اینکه بالکل یک ساختمان دوطبقه در تهران بود این قهوه‌خانه هم طبقه بالای همان بود. لکن افتاده بود دست یک مشت شیره‌ای و زهرماری مزاج و القصه و محل گذر هرچه آدم غلط و خلاف و نااهل... داشت تعریف می‌کرد چطور پرجگری کرده با رفقایش رفته‌اند بند و بساط زهرماری و سیخ و منقل عرش بهم زده و جمع نااهل‌شان از هم پاشیده‌اند. همین طور که مراد معمار از پرجگری و قلندری خود و رفقایش می‌گفت، فکری شدیم این قهوه‌خانه هم کانسپت عجیبی است. خدا را صد هزار مرتبه شکر مجالی پیش آمد ما هم از لفظ کانسپت استفاده کنیم کانسپت نگفته از دنیا نرویم زبانم لال احدی زهره نکند خیال کند به لسان غریبه واقف نیستیم.

یک نوبه با دوستان گعده کردیم و گفتیم برویم کافی‌شاپ. بماند که ماقبل آن روز، خیال‌مان کافی‌شاپ از همان لیوان‌های پایه‌بلندی است که تا خرخره بستنی می‌ریزند و یک چتر می‌گذارند بیخش و هرچه بستنی خوش طعم و دلخواه است چترش مزه کاه می‌دهد! نشستیم، منو باز کردیم و دیدیم هرچه نگاه می‌کنیم سوادمان جهت خواندن اسامی افاقه نمی‌کند. یک «منتوشیتاستازیان» یا یک همچین چیزهایی دیدیم؛ به قیافه‌اش می‌آمد خوشمزه باشد. هرچه کردیم زبان‌مان به خواندنش نچرخید. مانده بودیم چه کنیم، دیدیم تنها چیزی که می‌توانیم بخوانیم قیمتش است. گفتیم بی‌زحمت برای ما یکی از این دویست هزارتومانی‌ها بیاورید...!

دویست هزار تومان وجوهات خرج نیمرو کردیم. چهارتا پر سبزی خوردن ریخته بودند رویش هرچه نگاه می‌کردیم پنجاه هزارتومان بیشتر خرجش نبود. هر لقمه‌ای که گذاشتیم توی دهان‌مان خنجر شد گلویمان را درید که این چه سخریه لودگی است گریبان‌مان گرفت. آب شیر می‌ریزند حاق لیوان، چارپر نعناع می‌ریزند پول خون پدرشان مطالبه می‌کنند. والله آدم باید خیلی جگر داشته باشد یکی از آن اطعمه عجیب غریب را انتخاب کرده نامش به زبان بیاورد. ما اگر باشیم پیشنهاد می‌کنیم جهت اسامی کد بگذارند آدم لااقل کد مورد نظرش را بگوید. این نوبه ماقبل رفتن یک دور سایت کافی‌شاپ رؤیت کرده اسم مورد نظر خود را تکرار می‌کنیم بلکم آبروریزی نکنیم. فکری شدیم من بعد هر نوبه غذای دم‌دستی پختیم، عوض کشک بادمجان، اشکنه، املت و کتلت، یک اسم قوس قزح سمبل کنیم تحویل اهل خانه بدهیم و ژست بگیریم که مگر چه کم از کافی‌شاپ داریم؟

نقد

یک واقعه خونین در کتاب‌ها

معرفی سه کتاب درباره واقعه ۱۷ شهریور

آزاده جهان‌احمدی
منتقد ادبی

واقعه خونین میدان ژاله در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ معروف به جمعه سیاه، رویداد اتمام کار رژیم شاهنشاهی ایران نیز محسوب می‌شود. به عبارتی ساده‌تر، رژیم پهلوی با این اقدام خونین خود هرگونه امید به مصالحه میان انقلابیون و سلطنت‌طلبان را از میان برد. ۱۷شهریور ۱۳۵۷ جدایی میان ملت و حکومت را عمیق‌تر کرد و امکان هر نوع پیوستگی یا سازش را به نابودی کشاند.

صبح جمعه ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ تظاهرات برای چهارمین روز متوالی ادامه پیدا کرد. این‌بار وعده دیدار مردم غیور کشور در میدان ژاله (میدان شهدای فعلی) بود. آنان غافل از آنکه رژیم ستمگر پهلوی از ۷ صبح حکومت نظامی اعلام کرده است به میعادگاه رسیدند. ناگهان با دیدن تانک‌ها، نیروهای نظامی و مأموران اسلحه به دست متعجب شدند، اما بدون اعتنا به آنها به تظاهرات خود ادامه دادند.

چندی طول نکشید که مأموران مسلح پس از چند بار هشدار، جمعیت متشکل از زنان و کودکان را در کمال بی‌رحمی و سنگدلی هدف رگبار گلوله قرار دادند.

ابعاد عظیم کشتار و سرکوب مردم بی‌گناه در این روز باعث شد انقلابیون در حرکت خود ثابت‌قدم‌تر جلو بروند. ناگفته نماند رهبری امام خمینی(ره) نقش بسزایی در این پیروزی غرورآفرین ایفا کرد. می‌توان گفت رویداد خونین ۱۷ شهریور عاملی مؤثر در تشدید مبارزات مردمی و تسریع سقوط رژیم پهلوی به شمار می‌رود. آمار دقیق شهیدان مظلوم حادثه ۱۷ شهریور هیچ‌گاه مشخص نشد.

درباره این رویداد کتاب‌های بسیاری به نگارش درآمده است. در این سیاهه کوتاه به معرفی سه کتاب می‌پردازیم.

کتاب مصور «جمعه سیاه» جلد شانزدهم از مجموعه «روزهای انقلاب» و روایتی داستانی از کشتار مردم در میدان ژاله در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ است که با زبانی ساده و روان برای نوجوانان نگاشته شده است.

دومین کتاب با عنوان «ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از ۱۷ شهریور» به نویسندگی حسینعلی علامه‌نوری از سوی انتشارات نوید نور منتشر شده است. این کتاب به بررسی جریان پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد که مجموعه‌ای از عوامل در کنار رهبری امام راحل تأثیرگذار بودند. این کتاب ضمن بررسی ریشه‌های پیروزی انقلاب به کنکاش درباره وقایع مهم از جمله ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ پرداخته است.

سومین کتاب با عنوان «اشک جمعه» به نویسندگی مونا اسکندری که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

کتاب اشک جمعه نوشته مونا اسکندری یک رمان در حال و هوای سال‌های انقلاب است. این کتاب که انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است به محوریت روز جمعه هفده شهریور یا جمعه سیاه می‌پردازد که رژیم طاغوت مردم زیادی را در میدان ژاله کشت. صدیقه دختر جوانی که بر سر دوراهی قرار گرفته است، او باید انتخاب کند حکومت ظلم را بپذیرد یا در مسیر آزادی قدم بردارد و سرانجام تصمیمش را می‌گیرد. این کتاب روایت روزهای سخت دوران انقلاب است، زمانی که مردم برای دفاع از آزادی و آرزوهایشان قدم در مسیر دشواری گذاشتند، مسیری که نمی‌شناختند اما هدف روشن آن را می‌خواستند. این کتاب روایت شجاعت و ایستادگی است.

درنگ

خیانت اولین سفیر صلح‌دوست انگلستان در ایران!

جعفر حسن‌خانی
پژوهشگر تاریخ و اندیشه سیاسی

وقتی وارد ایران شد مبلغ ۶۰۰ هزار تومان یکجا به فتحعلی‌شاه قاجار پرداخت کرد و به این ترتیب مورد توجه شاه قرار گرفت. به زبان فارسی و ترکی تسلط کامل داشت و گلستان سعدی را در اروپای غربی به چاپ رساند. بسیار خوش‌مشرب و مبادی‌آداب بود. عبدالرزاق دنبلی در کتاب «مأثر سلطانیه» درباره او می‌نویسد: «نقل اوصاف حسنه‌اش نُقل مجالس امرا و ذکر اخلاق مستحسنه‌اش زیب محافل امنا و عظمای سلطانی [است].»

او در ادامه توانست اعتماد عباس‌میرزا را هم جلب کند. به پیشنهاد او، افسران نظامی کشورش دوشادوش افسران ایرانی به فرماندهی عباس‌میرزا در برابر سپاه روس به فرماندهی رتیشچوف صف‌آرایی کردند.

ماجرای سرگور اوزلی اولین سفیر انگلیس در ایران، به همین جا ختم نمی‌شود. او بسیار صلح‌دوست بود و تلاش می‌کرد میان ایران و روس‌ها صلح برقرار کند. چندین دور مذاکره میان ایران و روس برپا کرد. ایرانی‌ها به شرط خروج روس‌ها از سرزمین‌های خود (از جمله گرجستان) حاضر بودند صلح کنند، اما در جریان مذاکرات ناگهان اوزلی دستور داد همه افسران و صاحب‌منصبان انگلیسی سپاه ایران از قشون خارج شوند. این خبر به همراه اسرار نظامی ایران به اطلاع قشون روس رسید. بدین‌ترتیب روحیه روس‌ها تقویت شد و با کمک این برتری اطلاعاتی و نظامی به دست آمده، نیمه‌شب در «اصلاندوز» به سپاه عباس‌میرزا شبیخون زدند. توپخانه سپاه ایران که در اختیار افسران انگلیسی بود، آن شب کار نکرد. سپاه ایران از هم پاشید و رزمندگان بسیاری به شهادت رسیدند و قوای باقی‌مانده به تبریز عقب‌نشینی کردند.

در نتیجه این شکست بزرگ، ایران مجبور شد مذاکره کند. عهدنامه گلستان به میانجیگری سرگور اوزلی نوشته و پاره‌هایی از تن ایران جدا شد.

بعدها که گزارش‌های اوزلی به دولت انگلیس منتشر شد، او راهبرد خود را این‌گونه بیان کرده بود: «باید ملت ایران را گذاشت تا در همین حالت توحش و بربریت باقی بمانند.»

تاریخ مواجهه انگلیسی‌ها با ما اکنون به بهای گزاف پیش روی ما است. نباید آن را فراموش کنیم.

> ایرانی‌ها به شرط خروج روس‌ها از سرزمین‌های خود (از جمله گرجستان) حاضر بودند صلح کنند، اما در جریان مذاکرات ناگهان اوزلی دستور داد همه افسران و صاحب‌منصبان انگلیسی سپاه ایران از قشون خارج شوند

عکس‌نوشت

پس از برگزاری مراسم اربعین حسینی در کربلای معلا، روند بازگشت زائران از مرز شلمچه به کشور آغاز شده است. به گفته محمد جولائزاد مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای خوزستان، از ابتدای ماه صفر تا پایان ۱۹ صفر، بیش از ۲ میلیون و ۲۵۴ هزار و ۵۴ زائر ایرانی و خارجی از مرزهای شلمچه و چذابه تردد داشتند.

عکس: ایسنا